



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰ جون ۲۰۱۸

کمیته حقوق بشر فارو



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

## عمده شدن گرایش دروازه های بسته در اروپا، آینده سیستم جهانی پناهوئی را تهدید میکند!

۲۰ جون ۲۰۱۸

امسال ما روز جهانی پناهنده را در حالی جشن می گیریم که اروپا این گهوارهٔ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر با عمده شدن گرایش بستن دروازه های اروپا بروی پناهجویان، با مشکل از دست دادن هویت تاریخی خویش بحیث یک تمدن انسان گرا دست و پنجه نرم میکند. این گرایش با جریان قوی خویش حلقهات حاکمهٔ مخالف خویش را از جا برکنده و بجای آنها حکام پناهجوئی ستیز را بر اریکهٔ قدرت می نشاند. هرگاه این گرایش اکثر دول عضو اتحادیهٔ اروپا را فرگیرد، بقای سیستم پناهندگی مبتنی بر کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنیو را به خطر جدی مواجه میکند.

مداخلات نظامی برای بر اندازی حکام کشور های حد اقل با ثبات قاره های آسیا و افریقا از یکسو و جنگهای نیابتی در سوریه، افغانستان، لیبیا و یمن از جانب دیگر باعث ایجاد موج بزرگ پناهجویان روانهٔ اروپا در سال ۲۰۱۵ شد. دول اروپائی در ایجاد این کانون های تشنج سهیم بودند. اما احزاب راستگرا و بخشی از مردم اروپا با مواجه شدن با گروه های پناهجویان با قیافهٔ مردمان شرق میانه در راه ها، دهات و شهر های شان دچار ترس و دلهره از این شدند که نشود با اضافه شدن هزاران انسان نیازمند به کمک و دارندهٔ فرهنگ دیگر، رفاه و ثروت شان از یکسو و همگونی فرهنگ و ترکیب اجتماعی شان از جانب دیگر، دچار مشکلات گردد. انتشار اخبار مهاجرت گروهی به جانب اروپا و به اصطلاح سرحدات داخلی آزاد، به عده ئی از فرصت طلبان پاکستانی، بنگله دیشی و اروپای شرقی نیز زمینه داد تا در جلد پناهجو داخل شده و در صفوف پناهجویان بطرف اروپای غرب، بخصوص جرمنی روانه شوند. تأسیسات سرپناه دهی و پذیرش پناهجویان در اروپای غرب که برای تعداد معدود پناهجویان عیار شده بود نمیتوانست در برابر موج خروشان سالهای ۲۰۱۵ و تا حدی هم ۲۰۱۶ پاسخگو باشد. بحران در سیستم پناهنده پذیری اروپا باعث نا رضایتی بیشتر از احزاب طرفدار پناهجویان گردید. عواقب این وضع نتایج انتخابات های پارلمانی در اروپا را به نفع احزاب پناهجو ستیز تغیر داد. بطور مثال حزب دموکرات مسیحی آلمان به رهبری انگلا مرکل در انتخابات اخیر آن کشور بشدت تعداد کرسی هایش را در پارلمان از دست داد و به مشکل توانست در خلال مذاکراتی که شش ماه طول کشید، حکومت ائتلافی با احزاب دیگر تشکیل بدهد. اکنون یکی از این احزاب میخواهد به هیچ پناهجوئی اجازهٔ ورود به آلمان داده نشود زیرا این پناهجویان قبل از ورود به آلمان از حد اقل یک کشور امن دیگر میگذرند و میتوانند در آنجا درخواست پناهندگی کنند. خانم مرکل نمیتواند تعهدات جهانی اش را کاملاً زیر پا نموده با این خواست موافقت کند و در نتیجه حکومت ائتلافی اش در معرض خطر از هم پاشیدن قرار دارد. برای برون رفتن از این وضعیت انگلا مرکل بتاريخ ۱۹ جون به پاریس سفر نموده و با

همتا های فرانسوی، ایالتی و هسپانوی خویش مذاکره نموده و اعلامیه مشترکی را که حاوی محدودتر ساختن زمینه برای ورود پناجویانی که بشکل غیر قانونی داخل اروپا میشوند است، انتشار دادند.

احزاب راست افراطی در کشور ایتالیا نیز با بلند کردن درفش پناهجو ستیزی در انتخابات سال ۲۰۱۸ برنده انتخابات شدند زیرا فشار رسیدگی به پناجویانی که از طریق لیبیا به کشور ایتالیا وارد میشوند، میان دول عضو اتحادیه اروپا تقسیم نمیشود و این پناهجویان بار دوش ایتالیا باقی میمانند. نا رضایتی ناشی از این وضع عده ئی از مردم ایتالیا را بسوی احزاب پناهجو ستیز سوق داده است. اخیراً حکومت دست راستی جدید ایتالیا حاضر نشد به ۶۲۹ پناهجویی که توسط سه کشتی اروپائی اکوارپوم از مرگ نجات یافته بودند، اجازه ورود بدهد. سر نشینان خسته و مریض این کشتی ها که از غرق شدن همسفران شان سخت غمگین اند، بعد از اینکه توسط مالتا هم رد شدند در آب های مدیترانه بی سر نوشت باقی ماندند تا اینکه اسپانیا برای پذیرائی مؤقت و بررسی تقاضای پناهنگی شان ابراز آمادگی کرد. کشتی های عامل این پناهجویان یک هفته در راه بودند تا به اسپانیا رسیدند. سر نشینان با درد های جسمی و فشار های روحی دست و پنجه نرم کردند تا اینکه بتاريخ ۱۷ جون در ساحل والنسیا پیاده شدند. بدین ترتیب بعد از بسته شدن سرحدات یونان و برگرداندن ده ها هزار پناهجو از ترکیه، در قدم بعدی کشورهای اروپایی با حاکمان لیبیا هم معامله پولی انجام دادند، تا مانع استفاده از سواحل لیبیا توسط پناهجویان شوند. اینک با رویکار آمدن احزاب پناهنده ستیز در ایتالیا، در اواسط جون ۲۰۱۸ سرحدات ایتالیا هم به روی پناهجویان بسته شد.

حکومت ائتلافی تحت رهبری چارلز میشل در بلژیک (کشوری که تا چندسال قبل یک کشور پناهنده پذیر دانسته میشد)، اکنون میکوشد در مسابقه پناهجو ستیزی و بستن دروازه های اروپا در برابر پناهجویان در اتحادیه اروپا گوی سبقت را از حکومت هالند ببرد. آقای فرانکن متعلق به حزب راستگرا و پناهجوستیز (NVA) که وزیر دولت در امور مهاجرین است، اکثراً به خاطر طرح های غیرقانونی اش برای بستن همه روزنه ها در سرحدات خارجی اروپا به روی پناهجویان مورد انتقاد بخش حقوق بشر اتحادیه اروپا قرار می گیرد. گزارشات حوادث مشخص مربوط به این قضیه که از ورای رسانه های بلژیکی انتشار یافته در فیسبوک فارو (Federatio of Afghan Refugee Organizations in Europe) قابل دست رسی میباشد.

در هالند بتاريخ ۱۵ جون ۲۰۱۸ گزارش رسمی وزارت خارجه هالند نا امن بودن و نا مساعد بودن این کشور را برای واپس فرستادن پناهجویان تائید نمود. گذشت زمان نشان خواهد داد که وزارت عدلیه این کشور به این گزارش تا چه حد ترتیب اثر خواهد داد.

## موضع اروپای شرقی در مورد پناهجویان:

دول اروپای شرقی طبق ارقام سروی Gallup که در ماه می سال ۲۰۱۷ برون داده شده، از سقوط دیوار برلین بدینسو بیش از ۱۵ میلیون نفوس متخصص خود را از دست داده اند زیرا متخصصین شان در جستجوی درآمد مالی بهتر به غرب رفته اند. اما این دول در برابر ورود پناهجویان بیشترین مخالفت را نشان دادند و هنوز هم تعداد زیادی از باشندگان این کشور ها به احزاب پناهجو ستیز رای میدهند. سروی یاد شده بیانگر این واقعیت است که در هنگری ۷۰ فیصد نفوس و در مقدونیا، سلواکیا، لتوانا، بلغاریا و جمهوری چک فیصدی کمی پائین تر جمعیت با پذیرش پناهجویان مخالف میباشند.

مجله علمی دیجیتالی The Globalist بدین نظر است که ((کشور های اروپای شرقی از عقب مانی در مقایسه با اروپای غربی رنج میبرند. آنها میخواهند این تفاوت هرچه زودتر رفع گردد، اما میدانند که پناهجویان ماهر در اروپای شرقی نموده و تعداد زیادی از آنها به غرب خواهند رفت، از طرف دیگر پناهجویان غیر ماهر باعث عقب مانی بیشتر این کشور ها خواهند گردید)). علت مخالفت هر چه باشد، حکومت هنگری قبل از امضای قرارداد میان اتحادیه اروپا و ترکیه، سرحدات خود را بروی پناهجویان بست و سیم خاردار کشید. رهبر هنگری (مجارستان) با شعار پناهنده ستیزی برای بار دوم بحیث رئیس جمهور انتخاب شد. هنوز هم عده ای از پناهجویان افغان در اروپای شرقی در حالتی قرار دارند که نه امکان پیشرفت برایشان میسر است و نه انتخاب بازگشت دارند.

## پالیسی جمعی اتحادیه اروپا در چه وضعی قرار دارد؟

در تبلیغات و بیانیه های مسئولین امور کمسیون (ارگان اجرائی اتحادیه اروپا) هنوز هم ادعا میکنند که به متن و روح کنوانسیون ژنیو برای پناهندگان و حقوق بشری پناهجویان متعهد اند. ولی اقدامات این اتحادیه که بخشی از آنرا در ذیل نام میبریم گواه نقض متن و روح مواد کنوانسیون ژنیو اند:

۱- اعطاء امتیازات بزرگ مالی به ترکیه در بدل سد کردن راه آبی میان ترکیه و یونان بر پناهجویان روانه اروپا و تسلیم گیری پناهجویانی که درخواست پناهندگی شان رد میشود. به همین سلسله ترکیه ۸ هزار افغان رونده اروپا را به افغانستان برگرداند.

۲- رهبران برخی دول اروپائی از سال ۲۰۰۳ بدینسو طرفدار انتقال مراکز رسیدگی به درخواستهای پناهندگی به خارج از اروپا، احتمالاً آفریقای شمالی بوده اند، سپس پیروی از مثال استرالیا در محافل اروپائی مطرح شد. از سال ۲۰۱۳ بدینسو پناهجویانی را که بطور غیر قانونی توسط کشتی ها به سرحدات استرالیا میرسیدند، توسط پولیس ان کشور دستگیر شده و به جزایر ناورو و گینه جدید فرستاده میشدند تا در مراکز پناهندگی آنجا طی مراحل شوند و در همانجا در مراکز که بیشتر شباهت به زندان داشت، اقامت دائمی اختیار کنند. آنها هیچگاه نمیتوانند اقامت دائمی در استرالیا داشته باشند. این پالیسی استرالیا در تعارض با ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنیو است که مجازات پناهجو به خاطر ورود غیر قانونی را بصراحت منع کرده است. خوشبختانه کنوانسیون اروپائی حقوق بشر و فیصله های محکمه اروپائی حقوق بشر در مورد پناهجویان مانع از عملی شدن این طرح در اروپا گردیده است.

اما آنچه اکنون اروپا انجام میدهد دور نگهداشتن پناهجویان در حاشیه سرحدات خارجی اتحادیه اروپا و ایجاد مراکز رسیدگی به درخواستهای پناهندگی آنها میباشد. ایجاد مراکز و تشکیلات نگهداری پناهجویان در یونان و بلغاریا برای ثبت نام و انترویو با پناهجویان و بررسی دوسیه های شان در آنجا توسط فرونتکس عملاً جریان دارد. هدف این پالیسی جلوگیری از دخول پناهجویان به عمق قلمرو اروپا میباشد. اساساً توافق شده بود که پناهجویان تیر شده از فلتر یونان و بلغاریا بر اساس یک جدول سهمیه بندی میان دول عضو اتحادیه اروپا برای بررسی مجدد درخواست پناهندگی شان تقسیم گردند. این توافق در عمل تطبیق نشد. یونان و بلغاریا ناگزیر به ادامه میزبانی از پناهجویان تیر شده از فلتر گردیده اند. سازمان عفو بین المللی و دیده بان حقوق بشر در حاشیه نگهداشتن پناهجویان و سلب امکان باز سازی زندگی از آنها را در تعارض با حقوق بشری پناهجویان خوانده اند.

۳- تا قبل از سال ۲۰۱۵ محافظت از سرحدات خارجی اتحادیه اروپا وظیفه دول عضو بود. البته اتحادیه اروپا معیار هائی برای کنترل شدید سرحدات خارجی وضع کرده بود که دول عضو مکلف به تطبیق آن میگرددند. بطور مثال وضع معیار های سختگیرانه برای محدود ساختن امکان صدور ویزه. بعد از دخول موج بزرگ پناهجویان به سواحل یونان در همان سال، اروپا تصمیم گرفت تا برای مسدود ساختن سرحدات خارجی و ایجاد هماهنگی میان نیروهای سرحدی دول عضو برای جلوگیری از ورود پناهجویان، دست به ایجاد پولیس سرحدی برای سرحدات داخلی (Frontex) زدند. وظیفه اساسی فرونتکس جلوگیری از ورود پناهجویان است. به همین جهت تشکیل این پولیس بخشی از فعالیتهای اتحادیه اروپا برای بستن همه دروازه ها و ورودی بروی پناهجویان است که نقض آشکار کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنیو پنداشته میشود.

۴- امضای قرارداد و سپس گیری پناهجویان رد شده (Readmission agreement) که تحت نام (راه مشترک مقابل ما در مسائل مهاجرین) با دولت افغانستان در جریان کنفرانس اکتبر ۲۰۱۶ در مورد افغانستان در بروکسل صورت گرفت. از نظر اخلاق سیاسی مشروط ساختن کمکهای مالی ملکی و نظامی به افغانستان به امضای این توافقنامه که بر مبنای آن افغانستان مجبور به موافقت به پذیرش مجدد همه پناهجویان رد شده در قلمرو اتحادیه اروپا شد، برای هر دو طرف عمل غیر قابل توجیه دانسته نمیشود.

۵- تأیید یادداشت تفاهم فیرووری ۲۰۱۷ میان ایتالیا و لیبیا. این یادداشت تفاهم در واقع موافقتنامه ۲۰۰۸ ایتالیا با حکومت لیبیا برای محدود ساختن و تحت کنترل در آوردن مهاجرت از سواحل لیبیا به ایتالیا را که در سال ۲۰۱۱ به حالت تعلیق درآمده بود، دوباره فعال ساخته و ساحه همکاری لیبیا و مبلغ تادیه به لیبیا را (از ۳۰ میلیون دالر به ۲۴۰ میلیون دالر) افزایش داد. ظاهراً هدف این توافقنامه برچیدن سازوبرگ قاچاقبران انسان و مبارزه با قاچاق انسان است. در عمل تأسیس مراکز تجمع بسته برای پناهجویان دستگیر شده از سواحل لیبیا و ادار ساختن ایشان به بازگشت به کشور های مبدا میباشد. برای اینکه قطعه های بحری لیبیا بتواند قایق های حامل پناهجویان را شناسائی کرده و به ساحل لیبیا برگرداند، ایتالیا به نیروی مذکور وسایل، تجهیزات و کورس های تعلیمی لازمه را فراهم میکند. باین توافقنامه اروپا عملاً کوشید راه دیگر ورود به اروپا از طریق مدیترانه را به روی پناهجویان ببندد. عواقب این توافقنامه تا سطح برده ساختن پناهجویان توسط زورمندان محلی لیبیا رسانه ای شده است.

تصویری که اقدامات فوق الذکر اتحادیه اروپا از پالیسی عملی این اتحادیه در برابر پناهجویان بدست میدهد، اینست که اتحادیه اروپا میکوشد همه دروازه ها را به شیوه هائی که در نظر اول قابل دیدن نباشد و فاصله گرفتن اروپا از متن و روح کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنیو برای پناهندگان را برجسته نسازد، ببندد. هر گاه پناهجویی باز هم برای خود روزنه نی پیدا نموده و از سرحدات خارجی اروپا داخل گردد، دستگیر شده و در یکی از پوسته های امیگریشن در حاشیه سرحدات

خارجی درخواست پناهندگی اش توسط Frontex ارزیابی و اکثراً دوباره رد می‌شوند. این پالیسی نه تنها از ورود دسته جمعی پناهجویان جلوگیری نموده بلکه تعداد درخواستهای پناهندگی در اروپا را شدیداً کاهش داده است. اما هنوز هم هستند تعداد کمی از پناهجویانی که خود را تا عمق اروپای غربی می‌رسانند و درخواست پناهندگی میکنند. بطور مثال در کشور هالند تعداد درخواستهای پناهندگی افغان ها در سال ۲۰۱۵ به هزاران می‌رسید. این تعداد در ۲۰۱۶ به رقم ۱۴۴۷ و در ۲۰۱۷ به ۹۰۰ تقلیل یافت. در پهلوی بسته شدن راه های ورود، وضع معیار های سختگیرانه برای پذیرش و رد شدن اکثر درخواست های پناهندگی از طرف مقامات امیگریشن دول عضو در تقلیل درخواستهای پناهندگی در اروپا مؤثر بوده است.

### نتیجه گیری:

تا اواخر سده بیستم میلادی اروپا آنانی را که بخاطر باور های سیاسی، مذهبی یا تعلقات نژادی شان مورد آزار، اذیت و شکنجه قرار گرفته، زندگی و یا آزادی شان در معرض تهدید قرار داشت، با آغوش باز می پذیرفت. این مطلب بطور خاص در رابطه با پناهجویان افغان نیز صدق میکرد. با زیاد شدن تعداد پناهجویان در اثر ایجاد کانونهای تشنج و جنگ در جهان، چه در دوران جنگ سرد و چه در جهان امروز، بایست ظرفیتهای سیستم پناهندگی در اروپا نیز رشد می نمود. دول اروپای غرب در عوض، راه بستن تدریجی دروازه ها را بروی پناهجویان انتخاب کردند. موج بزرگ پناهجویان در سال ۲۰۱۵ حلقهات محافظه کار سیاسی و قشر های معینی از جامعه را دچار دلهره ساخت. احزاب راست و راست افراطی بخاطر بهره گیری سیاسی از این وضع به تشدید اضطراب در اذهان قشر نا آگاه جامعه پرداختند و در انتخابات کشور های مختلف به موقعیت تاثیرگذار دست یافتند. پالیسی دروازه های بسته که از سال ۲۰۰۳ در اروپا مشهود بود، آهسته آهسته در سال ۲۰۱۸ به گرایش عمده مبدل شد. اروپا تحت پوشش مبارزه با قاچاق انسان و مهاجرت غیر قانونی، آهسته آهسته از کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنیو برای پناهندگان فاصله می گیرد. در سایر نقاط جهان حقوق و آزادی های فردی در سطح اطمینان بخش رعایت نمیگردد. از آنجائی که گرایش دروازه های بسته در کشورهای بزرگ خارج از اروپا چون ایالات متحده، چین، روسیه، استرالیا و جاپان قبلاً مسلط بود، به مشکل میتوان بحیث پناهجویی که واقعاً به چتر حمایتی یک کشور دموکراتیک ضرورت دارد، راه حلی را سراغ نمود. دورنمای تطبیق کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنیو آلوده با شک و ابهام است.

کمیته حقوق بشر فارو  
هالند

